



مهدی عزیزی
mehdiazziart@hotmail.com
*** کارتونست

تماشاخانه

ادامه مسافرت‌ها آمار ابتلا به کرونا را افزایش می‌دهد



شهر ونگ

*** امیرمسعود فلاح

بلاک: کاری که کاربران بعد از دیدن عکس واقعی یکدیگر کنند.
دی اکتیو: قهر کردن به امید کشیده شدن مت. التماس توجه.
اکانت فیک: کارساز درماندگان. آنچه با آن صفحاتی را که با اکانت واقعی رویشان نمی‌شود فالو کنند، فالو کنند.
عکس پروفایل: چهره شخص آن‌طور که دلش می‌خواسته باشد.
بیو: هویت کاربر در دنیای موازی. آنچه ربطش به کاربر را کس نفهمد.
اصطلاحات عجیب و حروف یونانی و علائم ریاضی که معنی‌شان را خود کاربر هم نداند.
کلوفرند: سبزرندن کادر استوری برای همه فالوورها برای جلب توجه بیشتر. کادر سبزرنگی که با دیدنش فالوورها ذوق کنند و به فکر فرو ببرند که یعنی قرار است چه بینیم و بعدش معلوم شود سرابی بیش نبوده.
مَرید (married): هشدار جدی، دورباش - کورباش بی‌شوخی.
این رل ویت (inrel with): هشدار ملایم، دورباش - کورباش شوخی بردار. □

فرن: آنچه واقعی‌اش هم مجاز نیست.
پُست / کپشن: آنچه کس نخواند. آنچه از جایی کپی کنند و به قید قرعه به یک شخصیت معروف نسبت دهند. هر چه غلط‌های نگارشی بیشتر و ارتباط با تصویر کمتر، لایک و کامنت بیشتر.
لایک: آنچه برایش له له زند و التماس کنند. برای رفقا ناچار ندیده و نخوانده پسندیدن و موافقت کردن.
کامنت: محل دعوا.
استوری: ندیده را دیده گرفتن. آنچه به‌عنوان رفع تکلیف باز کنند و زود و ندیده و نخوانده رد کنند.
دایرکت: هدف و غایت حضور در فضای مجازی. جایی که در آن گوسفند‌ها پیانومی‌زنند و همه چیز شگفت‌انگیز است.
ریکونست: فریب عکس پروفایل کاربری را خوردن.
اکسپت: فریب عکس پروفایل آن کاربر فریب‌خورده را خوردن.

گنجشک‌روزی‌ها

روی کاناپه یک زوج هنرمند، چه می‌گذرد؟

رسیده. مطمئنم دوباره روزهای اوچمون برمی‌گردیم. می‌کن به‌شبکه اجتماعی دیگه هست که آدم خیلی خوب می‌تونه توش نظریه‌دودعواراه بیفته. الانم به‌موضوع توش داغه که خوراک خودمونه. چشم‌های مردبرق می‌زند. توجعش جلب می‌شود می‌گوید: «خب تواین شبکه اجتماعی که میگی چه جوری باید چیزمیزنوشته؟ کسی رو می‌شناسی پلدباشه؟» زن هیچان زده می‌شود. صاف ترمی نشیند می‌گوید: «یه دوستی دارم که اونجا چندتا اکانت با اسم مستعار داره و نوشته‌هاش هم خیلی زیاد دیده میشه. فکر کنم بهش میگن اکانت نامن پایه همچین چیزایی. اون حتملمیتونه کم کم من کنه.» سراغ موبایلش می‌رود. برای دوستش یک پیام می‌فرستد و بلافاصله پاسخش را دریافت می‌کند. لبخندی روی لب‌هایش می‌نشیند. گوشی را سمت مردم می‌گیرد. مردم لبخندی از ضایعت زده می‌گوید: «این عالیه. تادوسه هفته کارمون روراه می‌ندازه. کلی سرش دعوامیشه و همه میان در مورد مون حرف می‌زنن و بهمون فحش میدن. بعدشم که دوباره آب‌ها از آسیاب افتاد، من یه ویدیو از خودم می‌گیرم در تأیید حرفای تو. این یکی فکر کنم تایه ماه هم جواب بده. از دوستت بپرس ببین توآون ویدیونه چی بگم بهتره؟ یه چیزی که فشنک و ایرال بشه. ها. خودمم البته یه ایده‌هایی دارم. شاید هم اسم چند نفر رو آوردم بهشون فحش دادم. فحش همیشه جواب میده.» زن باهیجان دست‌هایش را به هم می‌مالد. هر دو خیلی خوشحال و ذوق زده هستند و افسردگی‌شان دیگر رخت‌برسته. احساس می‌کنند بیش از پیش عاشق هم هستند. توی چشم‌های هم نگاه می‌کنند و از اینکه این قدر باهم تفاهم دارند، سراپا غرق در لذت می‌شوند. □

مرد درحالی که بی‌حوصله روی کاناپه نشسته و به تلویزیون خیره شده و بی‌حوصله کانال‌ها را بالا و پایین می‌کند، خطاب به همسرش می‌گوید: «ببین امیدوارم از حرفم ناراحت نشی. ولی به نظرت زندگی مون یکم کسل‌کننده نشده؟ نه تغییری نه پیشرفتی، نه موفقیتی که روحیه هنری مون روراضی بکنه.» زن درحالی که دستش را زیر چانه‌اش زده و توی موبایلش می‌چرخد، می‌گوید: «اوهم، منم خیلی افسرده‌ام این روزها. احساس می‌کنم هیچ هدفی واسه زندگی ندارم. هیچ پیشرفتی نکردم این اواخر. هیچ کس به‌ما توجه نمی‌کنه و هنرمون اصلا دیده نمیشه. حتی اون عکسی که گذاشتم وازنو اوجمون رو اعلام کردم، هم دیگه لایک نمی‌خوره.» مرد با تعجب و عصبانیت سرش را به سمت زن برمی‌گرداند: «اینوالان باید بگی؟ من الان باید بفهمم؟ چقد خوش خیال بودم! فکر می‌کردم همه چی سرچاشه... دیگه چی روداری ازمن پنهان می‌کنی؟ وایسا ببینم، نکنه فالوورها تم سیر صعودی نداره دیگه؟» زن سرش را با خجالت پایین می‌اندازد. درحالی که کمی ترسیده و مضطرب است، می‌گوید: «به‌خدا من همه تلاشمو کردم، حتی...» مرد با فریاد فرحش را قطع می‌کند: «هیچی نمی‌خوام بشنوم دیگه! اصلا همون روزی که بهت اجازه دادم اینستاگرام داشته باشی، اشتباه کردم.» زن همچنان سرش پایین است و احساس شرمندگی دارد. زیر لب می‌گوید: «قول میدم جبران کنم، بهم یه فرصت دیگه بده.» سرش را بالا می‌آورد، در چشم‌های مرد نگاه می‌کند و می‌گوید: «یه ایده خوب به ذهنم



آرزو دزری
*** طنزنویس

پیراگفتم: به‌ماشد عرصه تنگ | توی دنیای پراز اندوه و جنگ جزشکیبایی چه باشد راهکار؟ | خنده کرد و داد پاسخ: «شهر ونگ»

صفحه روزانه طنز و کارتون
*** شماره هزار و شصت و هشتم



اینستاگرام شهر ونگ: instagram.com/shahrvang1 | ایمیل شهر ونگ: shahrvang1@gmail.com

شهر ونگ

صفحه آخر

سه شنبه ۶ خرداد ۱۳۹۹
سال هشتم / شماره ۱۹۷۸

می‌توانید QRcode زیر را
با گوشی اسکن کنید

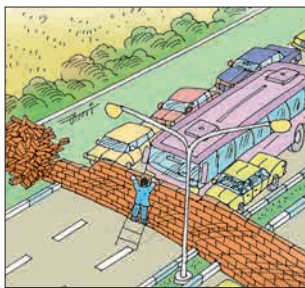


سنگ مفت، حرف مفت!

دموکراسی یعنی
آزادی اعمال نظر!



شهرام شهیدی
*** طنزنویس



تصمیم‌گیری در این کشور از یک پروسه منحصر به فردی برخوردار است. در واقع نحوه تصمیم‌گیری در ایران با همه دنیا فرق دارد و ما برای خودمان صاحب سبک و الگوی خاصی هستیم. شاید بتوان گفت که اگر دم از آزادی می‌زنیم و به‌ویژه مدعی آزادی بیان هستیم، بیشتر آن را در پروسه تصمیم‌گیری اعمال کرده‌ایم تا اگر خوب جواب داد در دیگر حوزه‌ها هم عملیاتی‌اش کنیم. چرا این حرف را می‌زنم؟ چون همین الان هم با اینکه در مسیر رسیدن به محل کار هستیم، هنوز نمی‌دانم بالاخره طرح ترافیک امروز اجرا می‌شود یا خیر؟ چه ربطی به طرح ترافیک دارد؟ خب اثبات می‌کنم. پیرو عرایض بالا باید ادامه بدهم خوبی این مملکت در این است که اگر قرار است مثلاً در خصوص آلودگی هوا و لزوم رعایت طرح ترافیک یا فاصله‌گذاری اجتماعی و موارد مشابه تصمیم‌گیری شود، کسی به تنهایی مسئولیت ندارد و همه حق دارند در این خصوص نه تنها فکر، که تصمیم‌گیری کنند. در برخی کشورها صد نفر کارشناس و مشاور فکر می‌کنند و پس از گزارش به گروه جمع و جوتری آنها نظرات را مطالعه و چکیده آنها را به همراه نظر مشورتی خودشان به یک نفر تحویل می‌دهند و او تصمیم می‌گیرد که مثلاً طرح ترافیک اجرا بشود یا خیر. اما به نظر می‌رسد این روش در تضاد کامل با دموکراسی است.

درستش و البته روش دموکراتیکش همین است که در ایران اتفاق می‌افتد. مثلاً در خصوص همین موضوع اجرا شدن یا نشدن طرح ترافیک، هم رئیس ستاد ملی مبارزه با کرونا حق دارد در این باره تصمیم‌گیری و اعلام نظر کند، هم رئیس شورای شهر، هم معاون حمل‌ونقل و ترافیک، هم رئیس اتحادیه تاکسیداران، هم نایب‌رئیس صنف آرایشگران، هم مسئول امور اداری اتحادیه آب‌میوه‌فروشان و هم هر کس دیگری که شما فکرتش را هم نمی‌کنید.

همین موضوع طرح ترافیک تهران و نحوه ورود دوستان را با هم مرور کنیم. ساعت چهار بعد از ظهر از قول معاونت ترافیک شهرداری اعلام می‌شد طرح ترافیک به‌شدت هرچه تمام‌تر از صبح فردا اعمال می‌شود. ساعت پنج بعد از ظهر یکی از مسئولان وزارت بهداشت می‌گفت مگر از روی جنازه من رد شوند که طرح اجرا شود. اجرای طرح باعث ازدیاد کرونا می‌شود. نیم ساعت بعد یکی از مقام‌های راهنمایی و رانندگی می‌گفت باید دعوا نکنید و با هم دوست باشید. هیچ طرحی آن قدر ارزش ندارد که آدم دوستی‌هایش را زیر پا بگذارد. پس از نظر ما برای حفظ دوستی‌ها، طرح اجرا می‌شود اما ما متخلفانی را که به محدوده طرح وارد می‌شوند، جریمه نمی‌کنیم و فقط تذکر می‌دهیم. یک ساعت بعد یک مقام در وزارت ارشاد اعلام می‌کرد طرح اجرا می‌شود اما به صورت کله‌گنجشکی. یعنی از صبح تا ظهر و ۴۰ دقیقه بعد یک نفر از اعضای کانون وکلا می‌گفت هر کس را که به‌طور غیرقانونی وارد محدوده طرح می‌شود باید به توپ بپست! □

لغت‌نامه

باب شبکه‌های اجتماعی

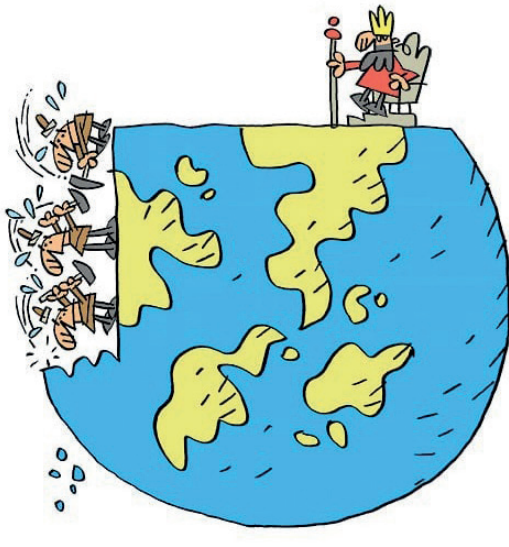
فیس‌بوک: بهشت گمشده، گذشته باشکوه. خاطره فراموش.
توییتر: جایی که در آن برای دیگران آبرو و حیثیت نگذارند. ورود ممنوع آزاد. من میرم تو نیا. محل تبلیغات انتخاباتی با نامه‌نگاری‌های اداری. صحن علنی مجلس در دنیای موازی که در آن نطق کنند.
اینستاگرام: جایی که در آن برای خود هم آبرو و حیثیت نگذارند. جایی که در آن جامه از تن به در کنند. هر چه جامه‌های از تن به در شده بیشتر، فالوور بیشتر.
فالوور: خریدنی. کالایی که نوع کامنت‌گذار آن قیمت بیشتر دارد. نشان شخصیت. هر که بیشتر داشته باشد، خوشبخت‌تر است.
کا (k): واحد فالوور که اگر ۳ صفر آن حذف شود، ارزشش واقعی می‌شود.

شهر فرنگ

علی درخشی *** کارتونست

منبع:
اینستاگرام هنرمند

پادشاهی
کاخ پادشاهی
کاخ پادشاهی
کاخ پادشاهی



شهر ونگ